



## «زندگی پس از زندگی» ثمره چندین سال پژوهش علمی است

گفتگوی «جوان» با مجری، تهیه‌کننده، کارگردان و پژوهشگر برنامه «زندگی پس از زندگی»



واقعیت این است که برنامه «زندگی پس از زندگی» در رسانه تلویزیون برنامه متفاوتی است. هر چند در عرصه دراماتیک (فیلم و سریال) به حوزه مرگ و زندگی پس از آن بارها پرداخته شده است اما این وادی همیشه برای مردم راز آمیز است و از جذابیت‌های آن هرگز کاسته نشده و نخواهد شد. ایده اولیه برنامه از جانب خودتان بوده یا از نمونه‌های خارجی وام گرفته شده است؟

پایه‌گذار این تحقیقات در فضای آکادمیک و کاشف این موضوع دکتر ریموند مودی است. یکی از دو کارشناس خارجی که در طول برنامه با آنها به صورت تصویری ارتباط برقرار می‌کنید؟

بله، ایشان برای اولین بار است که از طریق برنامه ما با حوزه علمی کشورمان ارتباط برقرار کرده است. در واقع دکتر مودی در حدود ۵۰ سال پیش موفق به کشف این پدیده شدند. بنابراین قطعاً این مسئله بسامدهایی در دیگر کشورهای جهان هم داشته و در کشور ما حدود ۲۴ سال پیش مستند دکتر مودی دوبله شد. برنامه زندگی پس از زندگی در حکم یک میوه است؛ این میوه یک بنر داشت و بنر آن همایش‌های پانزده‌گانه‌ای بود که بنده طی چهار، پنج سال و تا قبل از تولید فصل اول برنامه در اقصی نقاط کشور برگزار کردم. این همایش‌ها اولین همایش‌هایی بود که با موضوع تجربه نزدیک به مرگ در تاریخ کشورمان برگزار شد. اولین بار سال ۹۵ در دانشگاه شهر یزد برگزار شد و در کنار این همایش‌ها، یک کانال تلگرامی ایجاد کردم که در همان روزهای ابتدایی افراد حاضر در آن خیلی سریع به چند هزار نفر رسید. ایجاد این کانال و برگزاری این همایش‌ها و شهر به شهر چرخیدن‌ها اولین گام‌هایی بود که ثمره و میوه آن همین برنامه «زندگی پس از زندگی» است.

البته یکی دیگر از عوامل بسیار مؤثر در ساخت و تولید این برنامه مربوط به یکی از تجربه‌گران است که بازگشت و شفای ایشان از جانب حضرت فاطمه معصومه (س) است. این فرد تجربه‌اش را چندین سال پنهان می‌کند تا اینکه در رابطه با همان تجربه خوابی می‌بیند و از جانب حضرت به ایشان گفته می‌شود که شرح تجربه و مشاهداتش را در اختیار دیگران قرار بدهد. البته این شخص در فصل اول برنامه «زندگی پس از زندگی» حاضر شد و تجربه‌اش را تعریف کرد. بسا اینکه سفارش دهنده‌ای نداشتیم با فروش زمین میراثی که به همسرم رسیده بود، اقدام به ساخت برنامه کردم. چون آن موقع تلویزیون خواهان برنامه نبود، همسرم اصرار داشتند این برنامه ساخته شود ولو اینکه آن را در فضای مجازی منتشر کنیم.

**چطور شد که برنامه سراسر از شبکه چهار تلویزیون در آرد؟**  
سه، چهار سال همه کارهایم را کنار گذاشتم و از محل پول آن زمین هم زندگی می‌کردم و هم کار تولید برنامه را انجام می‌دادم. در آخرین روزهایی که برنامه ساخته شد و از آنجایی که مدیر گروه ادب و هنر شبکه چهار سیمای ساخت این برنامه مطلع بود، پیشنهاد بخش آن از شبکه را مطرح کرد. **بر این حساب احتمالاً پیشنهاد بخش این برنامه را به شبکه‌های مختلف تلویزیونی هم داده بودید؟**

در ابتدای ماه مبارک رمضان بودیم که از شبکه‌های یک، قرآن، افق و شبکه چهار که قبلاً به آنها پیشنهاد بخش برنامه داده شده بود با ما تماس گرفتند که هر کدام از طرفین هم یکسری ملاحظات و نکاتی داشتیم. **مثلاً نوع ملاحظاتی؟**  
آن موقع چون شناختی نبود عمدتاً می‌گفتند باید یک قسمت ساخته بشود و ما نمونه کار را ببینیم تا بعد در مورد آن تصمیم بگیریم!

**در همین اثنا شبکه چهار تماس گرفت؟**  
بله. از آنجایی که مدیر گروه ادب و هنر از حدود دو سال قبل از آن ایام می‌دانست که مشغول ساخت آن هستم و به دلیل دست تنها بودنم و اینکه بایستی برای مصاحبه با تجربه‌گران شهر به شهر می‌گشتم و از طرفی دیگر تجربه‌گران من را نمی‌شناختند و چون استودیوی ثابت نداشتیم مجبور بودم با هر کدام از افراد در شهرهای مختلف مصاحبه کنم. کار هم به کندی و سختی پیش می‌رفت. به هر صورت با پیشنهاد مدیر گروه ادب و هنر شبکه چهار سیمای تصمیم گرفتیم که برنامه زندگی پس از زندگی از این شبکه روی آنتن برود.

**با اینکه برنامه زندگی پس از زندگی از نظر حقیقی و حقوقی شخصیت رسانه‌ای پیدا کرده است، گاهی در ارائه برنامه از ارگان‌های مختلف من جمله بیمارستان‌ها برای در اختیار قرار دادن اطلاعات افراد تجربه‌گر درخواست همکاری و مساعدت می‌کنید. شیوه پیدا کردن و جلب اطمینان افراد تجربه‌گر در آن ایامی که قرار بود فصل اول آن را بسازید، چگونه بوده است؟**

اینجور افراد معمولاً افراد بسیار تنهایی هستند و در درون خودشان یک خبر بزرگ دارند اما جرئت ابراز ندارند. مثلاً طرف ۱۵ سال است که تجربه‌اش را در سینه داشته و دنبال کسی می‌گردد تا او را بفهمد و بداند که چه می‌گوید و مورد تمسخر

قرارش ندهد. وقتی پوستر همایش‌های من در شهرهای مختلف زده می‌شد، این اطلاع‌رسانی باعث می‌شد تا هم افراد علاقه‌مند به این مسئله و هم تجربه‌گران در آن همایش حاضر شوند. معمولاً در پایان همایش وقتی همه تعارفات و مناسبات تمام می‌شد، می‌دیدم که مثلاً در آن گوشه سالن یا در نزدیکی آن افرادی منتظر ایستاده‌اند. من هم از سر تجربه می‌دانستم که احتمال دارد این افراد جزو تجربه‌گران باشند که معمولاً هم همینطور بود و می‌آمدند و می‌گفتند می‌خواهم با شما در خلوت یا خفا صحبت کنم.

از بین این افراد من تجربه‌گر پیدا می‌کردم. نکته دیگر اینکه خود تجربه‌گران، تجربه‌گر معرفی می‌کردند. این افراد به اشکال مختلفی همدیگر را پیدا می‌کنند. ممکن است از به کار بردن برخی اصطلاحات یا کلمات خاص و بعد صحبت کردن پیرامون آن همدیگر را پیدا کنند. **اگر ممکن است یک مصداق واقعی در این رابطه ذکر کنید.**

مثلاً یکی از تجربه‌گران در استان‌های مرکزی کشور بود که می‌گفت در یک نگاه معاملات ملکی در حال صحبت بودم و افراد مختلفی آنجا حضور داشتند. یکی از آنها خطاب به یکی دیگر می‌گوید می‌خواهم یک نوراقتی بگیرم که نورش چشم‌هایت را کوک کند! بعد طرف مقابل در پاسخش می‌گوید تونور ندیدای و نمی‌دانی که نور چیست! خورشیدش هم چشم‌های من را کوک نمی‌کند. آن نوری که من می‌دانم چیست یک چیز دیگری است! آن فرد تجربه‌گر همان شخص را صدا می‌زند و او را به بیرون مغازه می‌برد و شروع می‌کند به حرف زدن و سؤال پرسیدن که علت آن حرفی که زدی چه بود؟ می‌گوید هیچی!

تجربه‌گر از او می‌پرسد منظورت تونل بود؟ بعد آن فرد می‌گوید تو از کجای دانی و... به این ترتیب افراد همدیگر را پیدا می‌کنند. با اینجور روش‌ها یک زنجیره ناخوابسته و ناخوشته‌ای بین این افراد وجود دارد. به هر ترتیب این همایش‌ها و این ارتباطات ناخوابسته آنها باعث شد که من ظرف مدت چهار، پنج سال تعدادی را پیدا کنم. از طرف دیگر مجبور شدم برخی مقالات و فیلم‌های خارجی را ترجمه و از آنها استفاده کنم. به این ترتیب توانستم آن ۳۰ نفری را که سال گذشته در برنامه حضور پیدا کردند، از بین گزینه‌های متعدد جدا کنم.

**شما برای سنجش تجربه‌گران و جدا کردن تجربه‌گر واقعی از بین کسانی که ممکن است مدعی دروغین باشند یا به دلیل غلبه توهمات، اوهام یا خیالات احساس کنند شاهد چیزهای غیر مبنی شده‌اند، چه شیوه‌های متنوعی را طراحی و اجرا می‌کنید. در برخی نمونه‌ها شما بخش‌هایی از مصاحبه با یک فرد تجربه‌گر را در چندین لوکیشن یا موقعیت مختلف نشان می‌دهید که دقیقاً همان حرف‌ها و حتی کلمات را بدون کم و کاست تکرار می‌کند یا این اقدام یکی از تکنیک‌های راستی‌آزمایی شماست؟**

بله، قطعاً مخاطب هوشیار است و هدفی را که ما به دلیل بخش صحبت‌های افراد در موقعیت‌های مختلف دنبال می‌کنیم، متوجه می‌شود. هدف از این برش زدن بین استودیو و بیرون همان چیزی است که شما و ما بقی مخاطبان هوشیار برنامه متوجه شده‌اید و الا آن را بیان کرده‌ید. ما می‌خواهیم مخاطب به این مطلب برسد که طرح این موضوع از جانب شما دلیلی حی و حاضر است. دقیقاً خواستیم که مخاطب متوجه بشود در



مقاطع مختلف زمانی و مکانی مصاحبه کردن به عنوان یکی از تکنیک‌های راستی‌آزمایی برنامه ماست. **تجربه‌گری را به برنامه دعوت کردید که باعث شکل گرفتن برخی بحث‌ها شد. از آنجایی که ایشان مشغول فعالیت در عرصه هنرهای نما‌پیشی بود و با یک ولع و تم دراماتیکی تجربه‌اش را تعریف می‌کرد زمبته‌ای شد که برخی در اصل ماجرا تشکیک کنند. اگر امکان دارد قدری در این رابطه توضیح بدهید.**

ما بعضی از تجربه‌گرها را خودمان تردید داریم که تجربه‌شان را تصویری بکنیم یا نه! البته در صحت حرف‌ها و تجربه‌شان تردید نداریم. **یعنی در واقع صحت و سقم مدعی آنها حتماً بررسی شده است؟**

ببینید حرف‌های بیش از ۱۵۰۰ تجربه‌گر شنیده شده و راستی‌آزمایی شده‌اند و امروز شما در حال شنیدن حرف‌های ۳۰ نفر از آنها هستید! تجرب این ۳۰ نفر از میدان‌های مین و سیم‌های خاردار و موانع ایذایی متعددی عبور کرده تا به آنتن برنامه رسیده‌اند. این موانع را جوری طراحی کرده‌ایم که افرادی غیر از تجربه‌گران راستین امکان عبور از این موانع را ندارند. مواردی هست که برای حفظ آبروی آنها نمی‌توانم به آنها اشاره کنم یا اسمی از آنها ببرم اما در عین حال حرف‌های بسیار بسیار شنیدنی داشتند که اتفاقاً برای مخاطب جذاب و جالب بودند اما به دلیل گیر افتادن در موانع راستی‌آزمایی ما آنها را پخش نکردیم.

**فکر می‌کنید انگیزه این افراد چه چیزی باشد؟**  
نمی‌دانم شاید به انگیزه فریب‌ناپذیر کار می‌کرده‌اند اما به شکل خیلی جذابی در بین موانع ما گیسر کرده‌اند. برخی افراد هستند که خوابی دیده‌اند و می‌خواهند خوابشان را تعریف کنند، بعضی‌ها بیمار و متوهم هستند و بعضی‌ها هم خودنما و به دنبال شهرت هستند. گاهی اوقات فرد نه خواب دیده و نه متوهم و بیمار است بلکه فقط قصد فریب تیم را دارد که اینگونه افراد فقط به لطف خدا در این موانع گیر افتاده‌اند.

**چرا تصمیم داشتید که برخی تجارب را تصویری نکنید؟**  
در این رابطه دلایل مختلفی را می‌توانم بگویم. یکی اینکه مثلاً این فرد بیانش ضعیف است یا مثلاً این فرد بیان و تجربه‌اش خوب است اما چهره‌اش یکجوری است که به دلیل برخی حرکات و سکناتش ممکن است مردم به او مشکوک شوند. مثلاً یک فرد تجربه‌گری بود که عادت داشت از کنج چشم‌مانش به دور بین نگاه کند و مثل افراد مکار مدام سرش را کج و از گوشه چشم به من نگاه می‌کرد. در حالی که حالت بدن و نگاه کردنش اینجوری بود. یکی از افرادی که قصد داشتیم آن را حذف بکنیم همین خانمی بود که شما به آن اشاره کردید. شخصیت ایشان در زندگی عادی و نحوه تکلم‌شان در زندگی شخصی‌شان هم همین طور است که در دسته‌بندی تپ‌های شخصیتی در علم روانشناسی به آن تپ نام‌پیشی گفته می‌شود. این به معنای خوب و بد نیست بلکه تپ شخصیتی‌شان اینگونه است و همانطور که شما مثال زدید بعضی افراد هستند که یک فیلم را هیجان‌انگیزتر از خود آن فیلم تعریف می‌کنند، قطعاً این به معنای دروغگو بودن این افراد نیست بلکه از لحاظ شخصیتی در یکی از چهار مورد دسته‌بندی شخصیتی علم روانشناسی

قرار می‌گیرند. نقطه مقابل این فرد میهمان شب قبل از ایشان بود که برخلاف تجربه بسیار عمیقی که داشتند هنگام بازگو کردن تجربه به غیر از لب‌هایشان هیچ کدام از اعضای صورت و بدنشان حرکت نمی‌کردند! جالب است که مردم در آن مورد پیام دادند که تجربه آن شنب اصلاً خوب نبود! در حالی که تجربه آن فرد جزو پنج تجربه بسیار عمیق بود اما چون ساده و بدون حرکات میمیک و حرکات بدن با سری به زیر انداخته شده صحبت می‌کردند! آن تلویزیونی نداشت! این خانمی که شما به او اشاره کردید جزو سرسخت‌ترین افرادی بود که به برنامه ما آمد. ابتدا علاقه‌ای به گفتن تجربه‌اش نداشت. ایشان به غیر از دلایل دیگر افراد از جمله ترس از قضاوت شدن و... یک دلیل خانوادگی هم داشت. دوم اینکه ایشان خودش با ما ارتباط‌نگرفت و از طریق کسی که سال‌ها پیش از تجربه او خبر داشت ما معرفی شد. وقتی با ایشان مطرح کردیم با واکنش بسیار منفی‌ای روبه‌رو شدیم و تقریباً یک سال به ایشان اصرار کردیم تا به برنامه بیایند. حتی در شبی که قرار بود به برنامه بیاید با هم تردید داشت، بنابراین این فرد هیچ علاقه‌ای به دیده شدن نداشت.

**البته بحثی که در مورد این تجربه‌گر مطرح شد مربوط به ولع دیده شدن نبود بلکه ناظر بر این بود که انگار تجربه‌اش واقعی نیست و در حال تعریف کردن یک فیلم است!**

این مسئله علت دارد، اولاً مثل فیلم تعریف کردنش به خاطر تدوین برنامه ما بود، چون شما از مجموع تقریباً چهار ساعت صحبت‌های ایشان تنها یک و نیم ساعت را دیدید. علت آن هم محدودیت زمان برنامه و کنداکتور است نه بحث سانسور و ممیزی و اینگونه مباحث. بنابراین ما مجبور بودیم جوری تدوین کنیم که اصل قصه و داستان مصاحبه‌کننده و تجربه‌ای که در مصاحبه دارم سعی می‌کنم آنقدر به تجربه‌گر نزدیک شوم که با من احساس صمیمیت کند و خیلی راحت حرف بزنند. به علاوه اینکه شخصیت نمایشی و حرف‌های ایشان هم حتماً تأثیر گذار بوده است. ما حتی مجبور شدیم بخش‌های عمیق تجربه‌اش را به دلیل ظرفیت باور مخاطب حذف کنیم و این چیزی که بخش شد یک سطح رقیق شده از تجربه او بود.

**دقیقاً شما چه مرحله‌ای را برای راستی‌آزمایی تجربه‌گران انجام می‌دهید؟**  
ما برای راستی‌آزمایی تجربه‌گران یک مسیری را طراحی کرده‌ایم که یکی از آنها چهار مرحله مصاحبه در فواصل مختلف زمانی با افراد است. در واقع ما نزدیک به ۶۰ نسخه مختلف و تقریباً ۱۰۰ تکنیک متنوع را برای راستی‌آزمایی تجربه‌گران طراحی و اجرا می‌کنیم. البته نسخه‌ها و تکنیک‌ها با هم فرق دارند و یکی از این ۱۰۰ تکنیک که الان در مصاحبه به شما افشا شد، همین مصاحبه کردن با افراد در فواصل مختلف زمانی و تطبیق اظهارات آنهاست. ضمن اینکه از آنجایی که من خودم مدرس ارتباطات کلامی و زبان بدن (بادی لنگویج) هستم و در این زمینه مقالاتی بسیاری هم دارم، از این منظر هم موارد را مورد بررسی قرار می‌دهیم. وقتی فرد از همه این موانع عبور می‌کند تازه نوبت به بحث کارشناسی دینی می‌رسد. بعضاً پیش می‌آید که برخی موارد را از نظر مذهبی به کارشناسان و متخصصان دینی ارجاع بدهم ضمن اینکه از مشاوره‌های روانشناسی متخصصان هم کمک می‌گیرم.

**فصل دوم برنامه شما با توجه به تبلیغات نفر به نفری که از طرف مخاطبان فصل اول آن صورت گرفت، در مرکز توجه بیشتری قرار گرفته است. آیا شاهد فصل‌های آتی آن خواهیم بود یا خیر؟ و اینکه برنامه‌ای برای خارج کردنش از حالت مناسبتی و ادامه آن در ایام دیگر سال دارید؟**  
در مورد ادامه داشتن برنامه این نظر وجود دارد ولی تصمیم دقیقی در موردش گرفته نشده است. اینکه برنامه باید ادامه داشته باشد، تقریباً قطعی است. اینکه مناسبتی بماند یا اینکه در طول سال بخش داشته باشیم باید مورد بررسی قرار بگیرد. البته مخاطبان پیام‌های بسیاری به ما داده‌اند که با فاصله گرفتن از ماه رمضان، تأثیرات فکری و روحی برنامه رو به کاهش می‌گذارد و ما می‌خواهیم که در طول سال این روحیه را حفظ کنیم و به اصطلاح روی فرم مانتیم که به دلیل قاعده نسیان انسان است و با این دلایل مخاطب خواهان ادامه‌دار بودن برنامه در طول ایام سال است. هر چند برخی از افراد و مسئولان مهم هم می‌گفتند که در طول سال چرا ادامه نمی‌دهید که ما هم گفتیم این بحث‌ها یک بحث‌های ساختاری است که مثلاً بررسی شود آیا امکان‌ش هست یا نه؟ اگر اینطور باشد باید یک تیم ثابت در کنار یک استودیوی ثابت داشته باشیم ضمن اینکه فرآیند آن باید ثابت باشد و برای ادامه‌دار بودن سالانه، برنامه نیاز به ساختارهای خاص خودش دارد که نیازمند یک بررسی درون سازمانی و شبکه‌ای است. اما این را می‌دانم که شبکه و سازمان عزم ادامه دادن برنامه را دارند اما به چه شکلی فعلاً همه چیز ۵۰، ۱۵۰ است. یکی از مسائل مهم در این رابطه هم احصا و پیدا کردن تجربه‌گران تازه است که نیازمند ساختار تولید خاص خودش است.